



مرگ زبان

حسنعلی ترقی اوغاز

CRYSTALL, David, *Language Death*, Cambridge University Press, Cambridge 2002, 198 Pages.

دیوید کریستال یکی از صاحب نظران برجسته و مشهور در حوزه زبان شناسی و علوم وابسته به آن است و مؤلف دایرةالمعارف زبان شناسی کمبریج^۱ (۱۹۸۷؛ ویرایش دوم: ۱۹۹۷)، دایرةالمعارف زبان انگلیسی کمبریج^۲ (۱۹۹۵)، واژه نامه زبان شناسی و آواشناسی^۳ (۱۹۸۰؛ ویرایش پنجم ۲۰۰۳) و ده ها اثر دیگر درباره زبان و زبان شناسی است. علاوه بر اینها، او ویراستاری دایرةالمعارف کمبریج^۴ (۱۹۹۰؛ ویرایش پنجم: ۲۰۰۰) و چند دایرةالمعارف دیگر را که دانشگاه کمبریج انگلستان منتشر کرده برعهده داشته است. این دانشمند زبان شناس، به پاس خدماتی که در زمینه مطالعه و آموزش زبان داشته، در سال ۱۹۹۵ به دریافت نشان OBE^۵، یکی از نشان های با ارزش دولتی در بریتانیا، نایل گردیده است. وی استاد بازنشسته زبان شناسی دانشگاه ریدینگ^۶ است و اکنون در

- 1) *The Cambridge Encyclopedia of Language*
- 2) *The Cambridge Encyclopedia of English Language*
- 3) *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*
- 4) *The Cambridge Encyclopedia*
- 5) The Order of the British Empire
- 6) the University of Reading

دانشگاه ولز^۷ در بنگور^۸ به تدریس و تحقیق اشتغال دارد. او از معدود زبان‌شناسانی است که در ساده‌سازی مطالب پیچیده و بسیار فنی زبان‌شناسی مهارت دارند. زبان او بسیار ساده و قابل فهم است و به همین دلیل هم توانسته است در ترویج زبان‌شناسی و مسائل زبانی نقش بسیار سازنده‌ای ایفا کند. با نگاهی گذرا به عناوین آثار و پژوهش‌های او می‌توان به تنوع نظرگیر آنها پی‌برد - از آثاری در حوزه مسائل تاریخی و جامعه‌شناختی و آموزشی زبان گرفته تا زبان‌شناسی بالینی و کاربردهای درمانی و رایانه‌ای زبان.

مرگ زبان دومین عنوان از اثر سه‌بخشی اوست. دو عنوان دیگر انگلیسی به عنوان زبانی جهانی^۹ و زبان و اینترنت^{۱۰} است. ضمناً کریستال، در سال ۲۰۰۴، اثر دیگری به نام انقلاب زبان^{۱۱} منتشر ساخته که به نوعی نتیجه‌گیری از مباحث مطرح شده در این اثر سه‌بخشی است. او، در این کتاب، به آینده زبان انگلیسی و تبدیل آن به چندین زبان دیگر همچنین به زبان‌های دیگری که در اکناف جهان در معرض خطر و نابودی‌اند پرداخته است. به همین لحاظ مطالب مندرج در مرگ زبان حایز اهمیت است به‌خصوص در رابطه با زبان‌های ایرانی در کشور ما و کشورهای همسایه که یا محوگشته‌اند و یا در معرض خطرند و راه‌های ارائه شده در این کتاب برای نجات آنها از فراموشی درخور توجه است.

پیش از پرداختن به بررسی این کتاب، لازم است درباره اصطلاح مرده در عبارت زبان‌های مرده که در مرگ زبان بارها به کار رفته توضیحی داده شود. در کتاب‌های زبان‌شناسی، زبان‌هایی چون فارسی باستان یا لاتینی را معمولاً مرده می‌خوانند. اما، در حقیقت، این زبان‌ها نمرده‌اند، چون به صورت و با نام‌هایی دیگر به حیات خود ادامه می‌دهند. مثلاً فارسی باستان به صورت فارسی میانه و فارسی میانه به صورت فارسی نو درآمده است. زبان مرده در واقع زبانی است که یکباره یا به تدریج، بی‌آنکه به زبان دیگری تبدیل شود و یا شاخه‌های زبانی دیگری از آن جدا شده باشند، محو می‌گردد.

7) the University of Wales

8) Bangor

9) English as a Global Language

10) Language and the Internet

11) The Language Revolution

کتاب شامل پیشگفتار و پنج فصل است. عناوین فصول به شرح زیرند: مرگ زبان چیست؟ چرا باید به این امر توجه کرد؟ چرا زبان‌ها می‌میرند؟ از کجا باید آغاز کرد؟ چه باید کرد؟ در ضمیمه کتاب، سازمان‌هایی که در حفاظت از زبان‌ها و حقوق زبانی اقلیت‌ها فعال‌اند معرفی شده‌اند.

فهرست منابع کتاب از اشراف نویسنده بر اکثر قریب به اتفاق آثاری که تاکنون درباره مرگ زبان‌ها منتشر شده‌اند حکایت می‌کند. فهرست گویش‌ها، زبان‌ها، خانواده‌های زبانی و گروه‌های نژادی - قومی، فهرست نویسندگان و گویشوران و همچنین نمایه در پایان کتاب درج شده است.

پیشگفتار با نقل بخشی از بیانیه همایش بین‌المللی زبان‌شناسی که در سال ۱۹۹۲ در کبک^{۱۲} (کانادا) برگزار شده بود آغاز می‌شود. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: با نابودی هر زبانی ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر برای انسان رخ می‌دهد. وظیفه مهم و ضروری یونسکو این است که در برابر این شرایط واکنش نشان دهد و به حمایت از زبان‌ها بپردازد و، در صورت امکان، حمایت از برنامه‌های سازمان‌های زبان‌شناسی را برای توصیف این زبان‌ها از طریق تهیه دستور زبان و واژه‌نامه و متونی که ادبیات شفاهی را دربرداشته باشد در دستور کار خود قرار دهد. این حمایت باید شامل زبان‌های در حال مرگ یا در معرض خطری باشد که تاکنون اصلاً مطالعه نشده یا به شیوه‌ای علمی ثبت و ضبط نشده‌اند.

سازمان یونسکو به این درخواست پاسخ مثبت داد و مجمع عمومی این سازمان «طرح زبان‌های در معرض خطر» را تصویب کرد. این طرح به انتشار کتابی انجامید با عنوان کتاب سرخ زبان‌های در معرض خطر^{۱۳}. در پی آن، بنیادها و صندوق‌های حمایتی بسیاری در کشورهای متعدّد به‌ویژه در ژاپن و آمریکا و بریتانیا برای حفاظت از زبان‌های در معرض خطر تأسیس شد. کریستال متذکر می‌شود که تاکنون، در جهت علاقه‌مندی به زبان و مسائل و مشکلات زبانی و همچنین در جهت توجه به زبان‌های در معرض خطر، شاهد چنین جهشی نبوده است. مع الوصف، هرچند توجه به این خطر وسعت و قوت نظریه‌ی یافته، غفلت از بحران همچنان باقی است.

نویسنده، چنان‌که خود او نیز اعلام داشته، در صدد یافتن پاسخ‌هایی برای پرسش‌های زیر است:

12) Quebec

13) *The Red Book of Endangered Languages*

– چرا مرگ یک زبان تا این اندازه درخور توجه است؟

– آیا می‌توان آن را چاره کرد؟

– آیا باید دست به اقدامی زد؟

اظهارنظری که در ادامه این بحث آمده و درست هم هست اینکه حفاظت از زبان‌ها فقط وظیفه زبان‌شناسان یا سازمان‌های زبان‌شناسی نیست بلکه در این امر پشتیبانی همگانی از جمله دانشمندان، روزنامه‌نگاران، سیاستمداران، نیک‌اندیشان، هنرمندان، هنرپیشه‌ها، کارگردانان ضروری است.

در فصل اول، با ذکر نمونه‌هایی چند از زبان‌هایی که در گذشته وجود داشته‌اند و اکنون مرده‌اند، مرگ زبان به مرگ انسان تشبیه شده است. مطلب دیگری که نویسنده یادآور می‌شود این است که بسیاری از زبان‌ها، هرچند به‌ظاهر زنده‌اند، در واقع باید آنها را جزو زبان‌های مرده شمرد، چون از جریان عادی ارتباط خارج شده‌اند و به حوزه‌های خاص و محدودی راه یافته‌اند. کریستال درباره ارزش پژوهش و ثبت و ضبط گویش‌ها و زبان‌ها این نکته اساسی را خاطرنشان ساخته که، اگر زبانی بی‌آنکه ثبت شده باشد بمیرد، در حکم آن است که آن زبان هرگز وجود نداشته است. وی همچنین به مشکلاتی که بر سر راه تعیین شمار دقیق زبان‌ها وجود دارد اشاره می‌کند – مشکلاتی که باعث شده این شمار نوسانی از ۳۰۰۰ تا ۱۰,۰۰۰ داشته باشد. او دو دلیل برای این نوسان قایل است: یکی آنکه تا نیمه دوم قرن بیستم برآوردها بیشتر بر حدس و گمان استوار بود نه بر پایه مطالعات تجربی و میدانی دقیق؛ دوم آنکه مفسران، به بهانه فقدان اطلاعات دقیق، ارقام را با بالابردن یا پایین آوردن، به قول خودشان، تعدیل می‌کردند. از سوی دیگر، به دلیل آنکه میان لهجه و گویش یا زبان محلی و زبان رسمی همواره مرز مشخص و قاطعی وجود ندارد، گاه پیش می‌آید که یک زبان در چند مقوله یا زبان‌های نوعاً متفاوت در یک مقوله جای داده می‌شود. این فصل با شرح و توصیف اصطلاحات گوناگونی که زبان‌شناسان برای زبان‌های جهان به کار می‌برند و آنها را در گروه‌های گوناگونی از قبیل «زبان‌های آسیب‌پذیر»، «زبان‌های در معرض خطر»، «زبان‌های جدّاً در معرض خطر»، «زبان‌های در شرف نابودی» و «زبان‌های مرده» قرار می‌دهند پایان می‌پذیرد.

در فصل دوم، نویسنده کوشیده است به این پرسش پاسخ دهد که چرا باید نگران نابودی

زبان‌ها باشیم و در این باره اقوال مختلفی در توجیه این نگرانی یا ناموجه بودن آن نقل کرده است. او پس از بحثی مفصل در این باب، سرانجام به این نتیجه می‌رسد که انسان امروزی باید نگران وضع کنونی زبان‌ها باشد و در حفاظت از آنها بکوشد و در تأیید این نظر دلایلی به شرح زیر اقامه می‌کند:

انسان نیاز به تنوع دارد. درباره این نیاز، همان دلایلی را که برای حفاظت از تنوع زیستی ارائه می‌شود می‌توان برای حفاظت از تنوع زبانی آورد. از آنجاکه بهترین زیست‌بوم‌ها آنهایی شناخته شده‌اند که دارای تنوع جانوری و گیاهی غنی باشند، بسیاری از دانشمندان و زبان‌شناسان و کارشناسان امور فرهنگی بر این باورند که غنی‌ترین جوامع از لحاظ فرهنگی آنهایی هستند که بیشترین تنوع زبانی را داشته باشند. زبان نمودار هویت انسان است - سخنی معروف در این باره وجود دارد به این مضمون که قوم فاقد زبانی از آن خود همچون کسی است که قلب نداشته باشد. اقوام هویت خود و تاریخ و فرهنگ و ادب خود را در زبان خود جلوه‌گر می‌سازند. از این رو، می‌توان گفت که با از بین رفتن زبان قوم قوام آن قوم از دست می‌رود و قوم به نابودی رو می‌آورد. زبان‌ها گنجینه تاریخ‌اند - زبان هر قوم را آرشپو تاریخی آن قوم می‌توان شمرد و این گنجینه تاریخی را باید حفظ کرد.

زبان‌ها در دانش انسانی به مفهوم عام آن شریک‌اند - زبان‌ها فقط انتقال‌دهنده دانش نیستند بلکه خود در تولید و صورت‌بندی دانش سهیم‌اند. نویسنده در تأیید این قول شواهدی از عناصر دانشی که در خود زبان‌ها وجود دارد از قبیل نام‌های گیاهان و جانوران می‌آورد. در واقع، این نام‌گذاری‌ها در هر زبان بر اساس توجه به وجوه تشابه و افتراق و با نوعی مقوله‌بندی انجام گرفته که خود مرحله‌ای از مراحل کار علمی است چنان‌که دانشمندان گاه بر اساس وجود دو نام جداگانه برای دو نوع جانور یا گیاه که ظاهراً شباهت بسیاری به هم دارند به تفاوت آنها پی‌برده‌اند. هیچ زبانی به‌تنهایی دربردارنده تمام دانش انسانی نیست بلکه هر زبانی درجات و پاره‌هایی از آن را دربردارد. لذا، با مرگ هر زبانی، منبع باارزشی از داده‌ها از دسترس جهان دانش و فرهنگ خارج می‌شود.

زبان‌ها به‌خودی‌خود جالب و درخور توجه هستند - هر زبانی دارای مجموعه‌ای از دستگاه واجی و واژه‌ها و الگوهای دستوری است که نظام ارتباطی خاصی را پدید می‌آورد و به همین عنوان هم جالب و هم برای دانش انسانی مفید است. نحوه استفاده

زبان‌ها از آواهای انسانی بسیار متنوع است. مثلاً در برخی زبان‌ها شمار صامت‌ها به ۸۰ هم می‌رسد که در مقایسه با شمار آنها در زبان انگلیسی معیار (۲۴) به خودی خود جالب است. تفاوت‌هایی که در شمار و نوع اصطلاحات خویشاوندی وجود دارد همچنین تمایزهایی که در زبان‌ها بر اساس جنس و سن و جز آن دیده می‌شود اطلاعات ارزشمندی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد.

در فصل سوم، نویسنده خواسته است به این پرسش پاسخ دهد که چرا زبان‌ها می‌میرند، و به شرح عواملی می‌پردازد که در مرگ زبان‌ها نقش اساسی دارند. او این عوامل را به دو دسته به شرح زیر تقسیم می‌کند:

۱. عواملی که باعث نابودی فیزیکی یک قوم می‌شوند - هرگاه قومی از بین برود، چه بسا زبان آن قوم نیز فراموش گردد. بسیاری از زبان‌های جهان در اثر نسل‌کشی از بین رفته‌اند. لطماتی که برخی از زبان‌ها در اثر منازعات داخلی و جنگ‌های اقوام از جمله جنگ بین‌المللی دیده‌اند و حیثاً باعث نابودی کامل آنها شده است در ادامه این بخش توصیف و شواهدی برای آن ذکر شده است.

۲. عواملی که منجر به تغییر فرهنگ یک جامعه می‌شوند - جامعه‌ای ممکن است به لحاظ جسمانی زنده باشد اما به لحاظ فرهنگی در معرض نابودی قرار گرفته باشد چون زبانش نتوانسته است در برابر زبان برتر مقاومت کند و نابود شده است. اصطلاحی که اغلب برای اشاره به این فرایند به کار برده می‌شود جذب فرهنگی است که دلالت دارد بر این معنی که جامعه‌ای به لحاظ فرهنگی زیر نفوذ جامعه یا قوم غالب قرار گیرد و در آن مستحیل گردد. در جوامع دو زبانه یا چند زبانه، هرگاه زبانی، خواه بومی خواه بیگانه، منزلت زبان رسمی و آموزشی و سیاسی و اقتصادی را کسب کند و زبان یا زبان‌های دیگر به زبان‌هایی تبدیل شوند که فقط در محیط‌های محدود خانوادگی و محلی و بومی به کار روند، این زبان‌ها رفته رفته به لحاظ فرهنگی ضعیف می‌شوند و روبرو نابودی می‌روند. کریستال، در این باب، با آوردن شواهدی از زبان‌های محلی در افریقا و امریکای لاتین که زبان‌های انگلیسی و فرانسه و اسپانیایی و پرتغالی، به عنوان زبان قوم غالب، باعث نابودی آنها شده‌اند، به شرح این رویداد زبانی - فرهنگی می‌پردازد.

در فصل چهارم با عنوان «از کجا باید شروع کرد؟»، نویسنده در صدد یافتن پاسخی برای

این سؤال برآمده است. وی ابتدا به شرایطی بحرانی اشاره می‌کند که بسیاری از زبان‌ها در آن به سر می‌برند و، از جهتی دیگر، به پیدایش آگاهی زبانی در بسیاری از جوامع و نهادهای ملی و بین‌المللی می‌پردازد و می‌گوید که از دهه ۹۰ به این سو علاقه به مسائل زبانی و حقوق زبانی در میان اقلیت‌ها افزایش یافته است. نمونه‌ای از نتایج بروز این آگاهی و ابراز این علاقه اعلامیه جهانی حقوق زبانی است. نویسنده، در ادامه، به وضعیتِ تا اندازه‌ای تناقض‌آمیز اشاره می‌کند که زبان‌هایی در آن به سر می‌برند: بسیاری از زبان‌ها می‌میرند چون در حفاظت آنها اقدامی نشده است؛ در عین حال بسیاری از زبان‌ها که برای حفاظت آنها و نجاتشان از نابودی کوشش بسیار شده نیز نابود می‌شوند. پس چه باید کرد؟

نویسنده اقدامات زیر را پیشنهاد می‌کند:

– مشخص کردن زبان‌هایی که در معرض خطر بیشتری هستند و از نظر حفاظت در اولویت قرار می‌گیرند؛

– ترویج نگرش مثبت جوامع نسبت به زبان یا زبان‌هایشان در مقیاس محلی و بین‌المللی؛

– پدید آوردن نگرش درست نسبت به همه زبان‌ها و گویش‌ها و لهجه‌ها؛

– در نظر گرفتن زبان به عنوان بخشی از فرهنگ جامعه.

با این اقدامات و تأمین منابع مالی برای آنها می‌توان امیدوار بود که بخشی از میراث انسانی که در خطر نابودی است حفظ شود.

در فصل پنجم با عنوان «چه باید کرد؟»، نویسنده، پس از بحثی مقدماتی درباره اقداماتی که باید در جهت حفاظت از زبان‌ها بشود، از نمونه‌های موفق این اقدامات یاد کرده است. او همچنین، برای حفاظت زبان‌ها و نجات آنها از نابودی و رشد و گسترش آنها، پیشنهادهایی ارائه داده و شرط موفقیت در این راه را آن دانسته که گویشوران زبان

– اعتبار اجتماعی خود را در درون جامعه زبانی مسلط افزایش دهند؛

– میزان ثروت خود را در مقایسه با ثروت جامعه زبانی مسلط بالا ببرند؛

– قدرت قانونی خود را در برابر جامعه زبانی مسلط افزایش دهند؛

– در نظام آموزشی کشور حضور قدرتمندانه داشته باشند؛

– بتوانند زبان خود را به صورت نوشتار در آورند؛

– بتوانند از فناوری‌های جدید رایانه‌ای استفاده کنند.

نویسنده در پایان این بحث، بر وظیفه زبان‌شناسان در جمع‌آوری و ثبت و ضبط گویش‌ها و پژوهش‌های توصیفی و میدانی تأکید می‌کند؛ اما در عین حال یادآور می‌شود که حفظ و تقویت زبان کاری صرفاً زبان‌شناختی نیست و ضروری است سازمانی با عنوان گروه احیای زبان با شرکت رهبران، معلمان، سیاستمداران و اصناف دیگر تشکیل شود تا بتوان میراثی گران‌قدر و بی‌بدیل را از نابودی نجات داد.

